جس لیورمور بزرگترین معامله گر تاریخ وال استریت

در این پست قصد معرفی کردن یکی از بزرگان وال استریت را دارم کسی که به خرس بزرگ وال استریت مشهور است. جس لیورمور قطعاً یکی از بزرگترین تریدرهای تاریخ است. او از سن ۱۴ سالگی به عنوان پادو در یکی از کارگزاری های بوستون شروع به کار کرد .استعداد فوق العاده او در ریاضیات باعث شد که او به وجود «الگوهایی» در نوسانات قیمت ها پی ببرد و این زمانی بود که اکثر مردم نوسانات قیمت را تصادفی می دانسته و روی سهام قمار می کردند.

اولین سود پانزده دلاری

او نخستین ترید خودش را با خرید ۵ دلار از سهمی آغاز کرد که سیستمش سیگنال خرید داده بود و دو روز بعد سهم را با ۱۵ دلار سود نقد کرد. در آن روزها مغازه هایی برای قمار روی نوسانات زنده بازار وجود داشت و جس با سیستمش آنقدر در این مغازه ها موفق عمل کرد که تمام این مغازه ها ورود جس را به محل کسبشان ممنوع کردند. جس که در سنی حدود ۲۰ سال توانسته بود ده هزار دلار پول نقد داشته باشد برای خرید و فروش به وال استریت رفت.

یکی از مهمترین درس هایی که او در ۵ سال اول تریدش گرفته بود این بود که وقتی شروع به استفاده از یک سیستم مطمئن کرد با رعایت کامل دیسیپلین، هرگز خارج از سیگنال های سیستم ترید نکند، درسی که برایش به قیمت چند هزار دلار تمام شده بود .

جس به سرعت در وال استریت ورشکست شد و به بوستون باز گشت. جس شروع کرد به بررسی دلایل شکستش در وال استریت و متوجه شد که سیستم او یک سیستم بی نقص اسکالپینگ (ناخنک زنی) است که بر مبنای قیمت زنده عمل می کند و به سرعت و با چند پوینت سود خارج می شود. در حالی که در وال استریت تا رسید خرید شما از کارگزار نرسد، شما نمی توانید متوجه شوید که نماد مورد نظر را به چه قیمتی خریده اید.

به توصیه های دیگران توجه نکن

جس به سرعت و با چند ترید موفق در مغازه ها پولش را به دست آورد و شروع کرد به تدوین سیستمی برای خرید در وال استریت .بازگشت جس به وال استریت در ۱۹۰۱ با ۵ برابر شدن سرمایه اش همراه بود : ۵۰ هزار دلار نقد. پولی که بازهم با درسی دیگر از دست رفت .جس درست ۲ روز صاحب ۵۰ هزار دلار نقد بود، درس ۵۰ هزاردلاری که جس را بار دیگر ورشکست کرد، این

بود :به توصیه های دیگران توجه نکن .روزی لیورمور با یکی از دوستان قدیمی خود در کارگزاری صحبت می کردند که شخصی به دوست لیورمور گفت: سهم فلان را بفروش، پایین می آید. دوست جس می گوید: اما بازار گاوی (صعودی) است. و اینجا بود که جس در می یابد که او در تمام این سال ها بیشتر به نوسانات کوچک نظر داشته تا حرکت های بزرگ.

درس بزرگ دیگر عامل زمان بود

با تمرکز بیشتر روی حرکات بزرگ و طراحی یک سیستم خوب، لیورمور شروع به کسب درآمد از بورس می کند. او می گوید :فکر کردن من را پولدار نکرد، صبر کردن برایم سودآور بود .یک درس گران قیمت دیگر: جس پی می برد که بازار به قله رسیده و زمان سقوط فرارسیده. او شروع به فروش می کند اما قیمت ها هر روز بالاتر می روند تا اینکه او با ضرر هنگفت از بازار خارج می شود. چندی بعد از این زیان بزرگ، تغییر روند قیمت ها آغاز می شود و پیش بینی جس درست از آب در می آید. اینجا بود که جس درس بزرگ دیگری گرفت :عامل زمان .یک تحلیلگر باید بتواند زمان درست ورود و خروج از یک ترید را درست تشخیص دهد تا موفق شود.

محدوده های مقاومت و حمایت و خرید پله ای

لیورمور زمان برگشت بزرگ ۱۹۰۷ را چنان درست تشخیص می دهد که تنها در روز ۲۴ اکتبر ۱۹۰۷ سه میلیون دلار سود می کند. این فروش های او چنان موثر عمل کردند که مورگان (از کسانی که چند سال قبل از این سقوط با دادن ۲۰ میلیون دلار به وال استریت آن را از ورشکستگی نجات داد) شخصاً از جس می خواهد که فروش را متوقف کند والی به تنهایی بازار را نابود می کند. بعد از این روز او به خرس بزرگ وال استریت مشهور شد.یکی از مهمترین دستاوردهای لیورمور در ترید تشخیص محدوده های مقاومت و حمایت توسط اوست .اصل دیگری که تقریباً همه بزرگان بازار بعد از او هم رعایت می کنند، خرید پله ای است. لیورمور همیشه به صورت پله ای به معاملات وارد می شد با رعایت این نکته که در خرید همیشه قیمت خرید در پله دوم بالاتر از اول بود، قیمت خرید در پله سوم بالاتر از دوم و.... در فروش هم به عکس. او همیشه قبل از ورود به یک ترید محاسبه می کرد که چه تعداد سهم خواهد خرید و همیشه حدود ۲۰درصد سرمایه ای که برای این ترید را کنار گذاشته بود درگیر می کرد .اگر قیمت در جهت میلش پیش می رفت در پله های بعدی بقیه سرمایه را رد می کرد والی با ضرر کمی خارج می شد.

لیورمور معتقد بود که پایین بخر و بالا بفروش غلط است و باید بالا خرید و بالاتر فروخت. لیورمور برای هر معامله یک عامل زمان هم قائل بود و پیش از ورود می دانســت که این ترید تا چه زمانی باز است و به عبارت دیگر او نقطه خروج با ضرر زمانی هم داشت

نکات اصلی روش او بدین ترتیب بود:

- او صبر میکرد تا بازار جهت دار شود.
- صنایع پیشرو در جهت بازار را بررسی کرده و سهام پیشرو در آنها را شناسایی می کرد.
- حجم یکی از ارکان اصلی سیستم او بود.
- آنقدر صبر می کرد تا نماد مورد نظر سیگنال بدهد و سپس با اطمینان و بدون تجدید نظر وارد می شد.
- به محض حرکت سهم در جهت دلخواه، خرید پله ای را شروع می کرد.
- صبور با سهم همراه می شد و به نوسانات کوچک قانع نمی شد.

یکی از زیباترین ترفندهای او را در زیر می خوانید

زمانی او ده میلیون پیمانه (واحد آتیه غلات) ذرت و ۱۰ میلیون پیمانه جو فروخته بود. ناگهان یکی از بزرگان بازار (آقای الف) شــروع به خرید ذرت و جو می کند. جس می دانســت که اگر بخواهد پوزیشن های فروشش را به قیمت بازار ببندد، خودکشی کرده است (او خیلی کم سرخطی وارد بازار می شد و همیشه نقطه ورود داشت. اهمیت این نکته در گریز از لورج بازار است.)

او به دنبال راهی بود که بتواند با حداقل ضرر پوزیشن های زیان ده اش را ببندد. او فکر کرد حالا که نمی تواند از آقای الف ذرت و جو با قیمت کم بخرد، بهتر اســت از دیگران بخرد. از آنجایی که می دانست آقای الف کمتر به جو نظر دارد، از طمع و احساسات تریدرها بهترین استفاده را کرد و در یک روز ۴ دستور خرید ۵۰۰ هزار پیمانه ای ذرت به ۴ کارگزار بزرگ آتیه می دهد و همزمان ۴ دستور فروش ۵۰ هزار پیمانه ای جو. با فعال شدن ۴ دستور فروش جو، قیمت جو شروع به افت می کند و تریدرهای بازار احساس می کنند که اتفاقی برای آقای الف افتاده و چون می دانستند او مقدار زیادی ذرت دارد، پیش بینی می کنند که افت بعدی متعلق به ذرت است. پس ناگهان بازار شروع به فروش ذرت کرده و لیورمور در فرصت مناسب تمام ۱۰ میلیون پیمانه ذرتش را خریده و سپس به سرعت پوزیشن های جو را هم با تنها ۳۰۰۰ دلار ضــرر می بندد. جالب اینجاســت که قیمت به ســرعت به

روند صعودی خود برگشته و ۲۵ سنت بالا می رود که می توانست به معنای ورشکستگی دیگری برای او باشد.

از دیگر تجربیات او تست بازار بود (اهمیت حجم)

زمانی که او می خواست حجم بالایی از سرمایه را وارد کند، ابتدا با مقدار کم در جهت عکس وارد می شد و براساس توانایی بازار در جذب این سرمایه، وارد ترید می شد. او بازهم سقوط بزرگ ۱۹۲۹ بازار را درست پیش بینی کرد و در زمان سقوط او فقط پوزیشن فروش داشت. این بار نام او تیتر اول نیویورک تایمز شد. بسیاری او را مقصر این سقوط قلمداد کردند و سیل نامه های تهدیدآمیز به سویش روان شد. لیورمور در سال ۱۹۴۰ کتابی چاپ کرد که رکود شدید بازار مانع از فروش خوب آن شد.

آخرین پوزیشن

جس لیورمور با کمال ناباوری در افسردگی شدید ناشی از شکست در زندگی خصوصی، در ۲۸ نوامبر ۱۹۴۰ با شلیک گلوله ای پوزیشن ۶۳ ساله زندگی اش را بست.و حد ضرر زندگی اش را بصورت دستی فعال کرد.

یادداشت مدیر: به دور از قضاوت برای زندگی دیگران، فرجام نامناسب (خودکشی) و دور از ذهن برای جس لیورمور این نکته را برای ما گوشزد میکند که شما حتی اگر بهترین تریدر دنیا و دارای بهترین روش معاملاتی هم که باشید ولی برای زندگی شخصیی خود برنامه و سیستم مناسبی نداشته باشید سرانجام کار تباهی خواهد بود. ترید انعکاس و ذهنیت فردی و شخصیتی شماست پس مواظب شخصیت خود باشید تا در ترید هم انعکاس خوبی از آن ببینید.